

شمیم دل انگیز استجابت دعا

به بهانه روز عرفه

دکتر عبدالله حاجی علی



اشاره:

خداوند بزرگ به دلیل غنای ذاتی که دارد، هدفی خارج از ذات نداشته، منفعت و فایده‌ای به او بر نمی‌گردد، اما چون حکیم است و کار عبث نمی‌کند فعل و کارش دارای هدف است بنابراین عبادت بندگان منفعتی را عاید خداوند نمی‌کند و این بندگان هستند که از عبادت بهره‌مند می‌شوند. می‌دانیم که یکی از برجسته‌ترین عبادات که به تعبیر رسول خدا (ص) مغز آن لقب گرفته، دعاست. وسیله‌ای که ربط انسان را به خالق و حقیقت هستی برقرار می‌کند و فقر و نیاز ذاتی انسان را برای او به تصویر می‌کشد؛ اما چون این رابطه متقابل است از ناحیه بنده ابراز نیاز و از طرف خداوند جواب و استجابت است. چنانکه فرمود: "اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ" مسأله مهم آن است که دعا دارای حدود و شروطی است و برای اجابت نیازمند پیش‌زمینه‌ها و لوازمی است و از این رو شبیهاتی پیرامون آن وجود دارد که نیازمند پاسخگویی می‌باشند. در این نوشته در باب مفهوم استجابت دعا، شرایط، زمینه‌ها و موانع آن بحث و بررسی می‌نماییم.



استجابات در لغت

استجابات در لغت مشتق از واژه «جواب» است چنانکه راغب در مفردات می‌گوید: «جواب به معنای کندن گودال است که همان گود کردن زمین است سپس در کندن هر زمینی به کار می‌رود و جواب کلام آن چیزی است که از عمق دل عبور کرده و از دهان گوینده به گوش شنونده می‌رسد»^۱

در مصباح المنیر آمده است که: «جواب یک نوشته روشن است ولی جواب یک سخن گاهی متضمن تأیید آن است که با «بله» انجام می‌شود در صورتی که سخن به شکل سؤال باشد و گاهی به نحو ابطال آن سخن است و جمع آن أجوبه و جوابات است و «جواب» جواب نامیده نمی‌شود مگر اینکه بعد از طلب باشد... اما استجابات در جایی به کار می‌رود که او را به چیزی خوانده باشد و درخواست کرده باشد و اجابت کرد خداوند دعای او را یعنی قبول کرد و استجابات نمود»^۲

استجابات در اصطلاح:

در اصطلاح به معنای اقبال خداوند به سوی دعا کننده و بر طرف کردن حاجت و اعطای خواسته اوست؛ چه خواسته او برای دنیا باشد و چه برای آخرت که البته این استجابات به انحای مختلفی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

جایگاه اجابت در قرآن و سنت

در قرآن کریم و روایات استجابات از جایگاه برجسته و منحصر به فردی برخوردار است و تنها از آن خدایی است که دعوتگر و دعوت پذیر است.

الف) قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی دلالت بر استجابات دعا از ناحیه خداوند می‌کند، به زبان حال باشد یا به زبان قال «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۳ و هنگامی که بندگان من، از تو درباره‌ام سؤال کنند، پس من نزدیکم [و] پاسخ می‌گویم دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، به امید آنکه به مقصد برسند»

آنچه از آیات الهی فهمیده می‌شود اینکه اجابت کننده فقط خداوند است که فرمود: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...»^۴ آیا کیست آن که درمانده را - چون وی را بخواند - به اجابت می‌رساند و گرفتاری را برطرف می‌کند...»

بر اساس آیات دیگر تمام مخلوقات در سیری مداوم از او سؤال می‌کنند و او آنها را هر لحظه اجابت می‌کند.

«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^۵ هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از او درخواست می‌کند. هر زمان او در کاری است.»

و در بعضی آیات دیگر اجابت را از غیر او نفی می‌کند.
«وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دَعْوَتِهِمْ غَافِلُونَ»^۶ و کیست گمراه‌تر از آن کس که به جای خدا کسی را می‌خواند که تا روز قیامت پاسخ او را نمی‌دهد، و آنها از دعایشان بی‌خبرند؟»

ب) روایات

روایات بر استجابات دعا از ناحیه خداوند، تأکید فراوان دارند و حتی در مواردی که قضای الهی مقدر شده باشد، نیز استجابات جاری است.
به تعبیر امام صادق (ع): «دعا قضای الهی را بعد از آنکه محکم شده است، برمی‌گرداند»^۷

همین است که ائمه - علیهم السلام - تلاش کرده‌اند تا تردید مردم را در مسأله استجابات دعا برطرف نمایند، چنانکه شخصی که در اجابت دعا دچار شک شده بود از امام رضا (ع) نقل می‌کند که فرمود: «اگر من به تو سخنی بگویم آیا به آن اعتماد می‌کنی؟ گفتم: به شما اگر اعتماد نکنم به چه کسی اعتماد کنم؟ در حالیکه تو حجت خداوند هستی. حضرت فرمود: پس باید به خداوند اعتماد بیشتری داشته باشی، زیرا خداوند وعده‌هایی برای تو داده است آیا خداوند نفرموده: «زمانی که بندگانم از تو درباره من سؤال کنند [بگو] من نزدیکم و پاسخ می‌گویم دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، و از رحمت خداوند مأیوس نشوید» و یا فرمود: «خداوند وعده مغفرت و بخشش می‌دهد» پس به خداوند بیشتر اعتماد کن تا غیر خداوند...»^۸

همچنین امام صادق (ع) در روایتی فرمود: «خداوند عزوجل دعایی را که از دل غافل باشد، اجابت نمی‌کند پس هر گاه دعا کردی با تمام قلب و دل تو باشد و یقین داشته باشی که اجابت می‌شود.»^۹

اجابت دعا ضرورت یا فضل

استجابات بخشش از ناحیه خداوند متعال است چون هر صاحب قدرتی توان انجام کارهایش را از خداوند اخذ می‌کند با این حال خداوند استجابات را پاداش دعا قرار داده است:

در واقع خداوند به بخشش و مهربانی خود توفیق دعا می‌دهد و به لطف و کرم خود آن را مستجاب می‌کند پس دعای انسان به خودی خود سبب استجابات نیست؛ چنانکه می‌فرماید:

«وَاعْتَرِزْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا»^{۱۰} من از شما و بت‌هایی که به جای خدا می‌پرستید دوری کرده و خدای یکتا را می‌خوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم مرا از درگاه لطفش محروم نکند»

ذکر واژه «عسی» برای آن است که اسباب ظاهری از دعا و توجه دلیل استجابات نیست بلکه اجابت یک فضل و بخشش از ناحیه خداوند است چنانکه در سوره انعام فرمود: «بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ...»^{۱۱} بلکه در آن هنگام تنها خداوند را می‌خوانید تا اگر مشیت او قرار گرفت شما را از سختی برهاند»

صاحب تفسیر من هدی القرآن ذیل آیه شریفه می‌نویسد: برای اینکه خداوند مجبور به استجابات نیست بلکه به رحمت و حکمت خود هر چه می‌خواهد انجام می‌دهد.^{۱۲}

در واقع ما استجابات را از خداوند ضروری می‌دانیم ولی نه مثل معتزله که استجابات را بر خداوند واجب می‌دانند که ترک آن از خداوند قبیح است و نه مثل اشاعره که استجابات را گر چه تفضل می‌دانند ولی بین دعا و استجابات هر گونه رابطه را نفی می‌کنند بلکه ما معتقد هستیم که مشیت خداوند بر این تعلق گرفته است که دعا را مستجاب کند و ضرورت به معنای هر آن چیزی است که اراده ازلیه خداوند به آن تعلق گرفته و اقتضای صفات حسنی اوست.

رابطه اجابت و نظام سببیت

آیا مستجاب شدن دعاها از امور اتفاقی است و یا بر اساس نظام سبب و مسبب است؟ بعضی از فلاسفه معتقدند که استجابات از امور اتفاقی است زیرا موجود، عالی الثفاتی به موجود دانی ندارد و موجود دانی هم در موجود عالی نمی‌تواند اثر بگذارد پس اگر دعایی به هدف مقصود می‌رسد اتفاق است.^{۱۳}
اما صریح آیات و اخبار دلالت بر رابطه سببیت بین دعا و استجابات می‌کند چنانکه بین صدقه و دفع بلا و صله رحم و طول عمر این رابطه برقرار است.
شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا می‌گوید: سبب اجابت دعا توفی اسباب بر اساس حکمت الهی است به این معنا که سبب دعای یک انسان در آنچه می‌خواهد و سبب وجود آن شی با یکدیگر از ناحیه خداوند همراه قرار داده شده است.^{۱۴}

در روایات نیز دعا به عنوان سبب اجابت مطرح است. چنانکه امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «دعا کلید رحمت خداوند است»^{۱۵}

پس استجابات مشمول اصل سببیت است و مسبب الاسباب حضرت حق تعالی است گر چه این علیت و رابطه با درک ابتدایی انسان فهمیده نمی‌شود ولی امانی الهی در بین خلق که این ارتباط را درک می‌کنند برای ما گزارش می‌دهند که بین اعمال و نیات ما ارتباط برقرار است.

شرایط استجابات

خداوند تبارک و تعالی هر دعایی را مقرون اجابت قرار داده است.^{۱۶} ولی برای استجابات شرایطی است که به بیان برخی از آنها پرداخته می‌شود:

الف) تطابق زبان حال و قال

حقیقت دعا آن است که دل طلب و انسان با زبان بیان نماید نه اینکه فقط لقلقه زبان باشد چنانکه انسان و همه موجودات با زبان تکوین او را می‌خوانند و او پاسخ می‌دهد.

«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^{۱۷} هر چه در

آسمان‌ها و زمین استخوان او درخواست می‌کند. هر زمان او در کاری است.»
این سؤال با زبان ظاهری نیست بلکه به زبان فقر و استحقاق است در نتیجه

سؤال فطری همواره با اجابت همراه است.
ملا هادی سبزواری می‌گوید: دعای به زبان استعداد هرگز غیر مستجاب نیست، مگر آنکه دعا فقط لقلقه زبان باشد مانند اینکه کسی در مقام ذکر بگوید:

«اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعد المصیبه» ولی همه جوارح و ارکان وجودش و ملکات رذیله‌ای که در نفس او لانه کرده و حیوان شهوت و خوک حرص و سگ غضب که باطن او را مرتع و چراگاه خود قرار داده‌اند، ندا می‌دهند: «اللهم اخذلنا بالمصیبه»^{۱۱}

خداوند نیز می‌فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ...» و از هر چیزی که از او خواستید به شما داد...»

یعنی به زبان استعداد آنچه را از او طلب کنند عطا خواهند شد نه آنچه به زبان آورده شود پس اگر آنچه به زبان آورده می‌شود با زبان استعداد هماهنگ باشد، حتماً مستجاب خواهد بود.

ب) موافقت با حکمت و مصلحت

استجابات حتمی و ضروری است، ولی هرگز به شکل گزافه و خیالی نیست و همواره براساس حکمت و مصلحت خواهد بود. اما حکمت در مورد بشر همان صفت فاعل است از آن جهت که کارش مطابق با نظام علمی و منطبق با نظام خارجی است و بایستی مشتمل بر مصلحت باشد اما در حکمت الهی که فعل او همان نفس خارج است نفس حکمت هم هست و فعلش نیز مشتمل بر مصلحت است اما نه به معنای تبعیت کردن از مصلحت بلکه مصلحت لازمه فعل اوست و از آن جدا شدنی نیست خداوند می‌فرماید: «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ»^{۱۲}

کار او مورد سؤال و مواخذه واقع نمی‌شود حال آنکه ایشان مورد سؤال قرار می‌گیرند»

پس فعل او عین حکمت و همان مصلحت است و همه مصالح و خیرات و جهات خیر مثل بقیه موجودات مخلوق اوست

بنابر این خداوند مقهور مصلحتی از مصالح نیست و محکوم به حکمی نمی‌باشد پس اگر می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^{۱۳} مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را» یعنی اگر حکمت اقتضا کند دعای شما را مستجاب می‌کنم. صاحب مجمع البیان درباره آیه شریفه «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» می‌گوید: یعنی اگر حکمت اقتضا کرد شما را اجابت می‌کنم پس هر دعا کننده بایستی دعای خود را با زبان یا در دل مشروط به مصلحت کند»^{۱۴}

در سوره انعام نیز فرمود: «بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ»^{۱۵} بلکه در آن هنگام تنها خدا را می‌خواند تا اگر مشیت او قرار گرفت شما را از سختی برهاند.»

این «ان شاء الله» یعنی این طور نیست که هر خواسته‌ای مستجاب باشد، بلکه آنچه اقتضای حکمت و مصلحت باشد، مستجاب می‌شود.

البته ممکن است دعایی بر اساس حکمت و مصلحت باشد ولی به دلیل عدم همراهی قلب و قال مستجاب نشود. ممکن است کسی بپرسد امر مقتضای حکمت ناگزیر انجام می‌شود. پس چه نیازی به دعا کردن است؟ می‌توان پاسخ داد که دعا خود عبادت است چون اظهار خضوع است و هیچ بعدی ندارد که بواسطه دعا کردن آن مطلب همراه مصلحت شود و بدون دعا مصلحتی نداشته باشد.

ب) اجابت تکریمی و غیر تکریمی

بعضی تصور می‌کنند که انسان می‌تواند به عمل پشت کند و با دعا عوامل و اسباب طبیعی را نادیده بگیرد! بعضی دیگر نیز گمان می‌برند که توجه به دعا و توکل به خداوند با توسل به اسباب منافات دارد! اما این تخیل و تصور خلاف حکمت دعایی است که قرآن و سنت بیان می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین - علیهم السلام - با اینکه به بهترین نحو اهل توکل، دعا و توسل بوده‌اند اما هرگز عمل و توجه به اسباب عادی را فراموش نکرده‌اند.

قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»^{۱۶} ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اسلحه خود را بردارید و به شکل فردی و

جمعی برای جهاد کوچ کنید» با آن که می‌دانیم دعای رزمندگان در میدان جنگ مستجاب است. اما امر به تجهیز می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «دعا کننده بدون عمل مانند تیراندازی است که کمان او زه نداشته باشد»^{۱۷} و بیدیهی است تیری پرتاب نخواهد شد. پس دعا باید همراه با عمل باشد تا به هدف اجابت برسد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «چهار شخص هستند که دعایشان مستجاب نمی‌شود: مردی که در خانه نشسته و دعا می‌کند که خدا یا به من روزی بده، به او گفته می‌شود: مگر تو را امر به طلب روزی نکرده‌ام؟ و مردی که زن خود را نفرین می‌کند، به او گفته می‌شود: آیا اختیار طلاق را به تو نداده‌ام؟ و مردی که مال خود را ضایع کرده و می‌گوید: خدا یا به من روزی بده، به او گفته می‌شود: مگر تو را به میانه روی امر نکرده‌ام؟ مگر به اصلاح امورت ترا امر ننمودم؟ اما مردی که مال خود را بدون گرفتن شاهد قرض می‌دهد به او گفته می‌شود: آیا به تو دستور ندادم که در موقع قرض دادن شاهد بگیری؟»^{۱۸}

این روایت اشاره دارد به اینکه اگر کسی دعای خود را همراه با عمل مناسب با دعا نکند دعایش مستجاب نمی‌شود.

خداوند نیز از قول مؤمنان می‌فرماید: «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»^{۱۹} خدا یا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و فرستاده تو را تبعیت نمودیم پس نام ما را در صحیفه اهل یقین ثبت فرما»

این آیه دلالت می‌کند که ایمان و تبعیت رسول خدا (ص) از اعمالی است که بایستی مقدمه شود برای دعا و طلب ممیت با شاهدان.

انجاء اجابت دعا
بی‌گمان هرگاه شرایط لازم در خواسته و دعا کننده وجود داشته باشد، دعا مستجاب است؛ زیرا از ناحیه خداوند فاعلیت تام است و مانعی برای فیض و فاعلیت او وجود ندارد. پس اگر از جانب قابل نیز شرایط فراهم باشد، اجابت خداوند قطعی است اما نحوه اجابت خداوند متفاوت است و بستگی به نوع دعا و مورد خواسته شده و مصالح و حکمت الهی دارد.

الف) اجابت دعای تکوینی و اختیاری
همه موجودات عالم خداوند را در همه حاجات خود به شکل تکوینی می‌خوانند که فرمود: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^{۲۰} پس همه موجودات مشغول به دعا و سؤال تکوینی هستند و وقتی قابلیت قابل تام باشد، اجابت دعا در مورد آنها قطعی است.

اما در دعای اختیاری که انسان براساس علم و اختیار خود و امتثال امر الهی انجام می‌دهد: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^{۲۱} در موقع جمع شدن تمامی شرایط استجاب خواهد شد و با استجاب تکوینی متفاوت است.

البته این اجابت یک قیمت دیگر دارد اولاً آنچه انسان طلب کرده است راجع به دنیا و آخرت به او داده می‌شود ثانیاً خود اجابت یک اقبال و توجهی از ناحیه خداوند به بنده خویش است.

از امام صادق (ع) است که فرمود: «یکبار خداوند را خواندم و چون اجابت کرد حاجت خود فراموش کردم.»^{۲۲}

آن جذبه‌ای که از استجاب حاصل می‌شود فوق اجابت دعاست بلکه دعای سبحان به فضل و کرم خود آنچه اعطا می‌کند بیش از آن است که طلب شده است.

حضرت زکریا (ع) از خداوند یک فرزند طلب می‌کند و خداوند می‌فرماید: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا»^{۲۳} ای زکریا همانا تو را به فرزندی که نامش یحیی است و از پیش هم نام و هم درجه در تقوای او را نیافریدیم بشارت می‌دهیم»

خداوند دعای او را اجابت کرد و به او فرزندی داد و به فضلش نام او را خود قرار داد و او را صاحب ویژگی‌هایی قرار داد که منحصر به شخص اوست»^{۲۴}

خداوند به بندگانش شایسته خود وعده نموده که اگر آنچه را از خیر و خوبی و تقرب است، طلب کنند مورد اجابت قرار می‌دهد، اما برخی اجابت‌ها همراه با تکریم و تعظیم دعا کننده نیست به عنوان نمونه:

۱. اجابت استدراجی:

اجابت دعای شیطان بعد از استکبار و گردنکشی نسبت به خداوند استدراج است. قرآن می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»^{۳۳} گفت: پروردگارا مرا تا روزی که انسان‌ها برانگیخته می‌شوند مهلت ده، فرمود: تو از مهلت داده شدگانی»

این مسأله باعث استدراج و دوری بیشتر شیطان از خداوند شد برای همین خداوند بعد از استجابت دعایش فرمود: «قَالَ فَأَنْحِقْ وَالْحَقُّ أَقُولُ * لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ * قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»^{۳۴} حق از من است و حق را می‌گویم حتما جهنم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کند از همگی‌شان خواهم انباشت»

یا در مورد کسانی که از خداوند فقط دنیا را طلب می‌کنند می‌فرماید: «...فَمَنْ النَّاسُ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ»^{۳۵} و از مردم کسی است که می‌گوید پروردگارا به ما در همین دنیا عطا کن و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست.»

۲. اجابت برای سرکوبی:

گاهی دعا کننده به قصد دشمنی و لجبازی یا از روی استهزا و تمسخر دعا می‌کند و خداوند دعای او را اجابت می‌کند. «وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حَجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْنَا بِعَذَابِ أَلِيمٍ»^{۳۶} و یاد کن هنگامی که گفتند خدایا اگر این مسأله به حقیقت از جانب توست، پس بر ما از آسمان سنگ‌هایی بباران یا عذابی دردناک بر ما بیاور» که دعا خوان نصربن حارث بن کلداه است و دعایش مستجاب شد و به عذاب الیم گرفتار آمد.

ج) اجابت سریع یا با تأخیر

خداوند انسان را امر به دعا کردن نموده و خود اجابت آن را ضمانت نموده است ولی هرگز نگفته است که این اجابت فی‌الفور است، بلکه آیات و روایات دلالت دارند که گاهی اجابت فوری و گاهی با تأخیر است مثلا در جریان حضرت یونس(ع) می‌فرماید: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»^{۳۷} وذلنون را یاد کن آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا از درون تاریکی‌ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست منزه‌ی تو به راستی که من از ستمکاران بودم پس دعای او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را نیز نجات می‌دهیم.»

این آیه بر اجابت فوری دلالت می‌کند، اما در جریان اجابت دعای موسی و هارون «قَالَ قَدْ اجِيبَتْ دَعْوَاكُمْ...»^{۳۸}

در ذیل آیه شریفه روایتی را صاحب تفسیر نور الثقلین نقل می‌کند که امام صادق(ع) فرمود: «بین سخن خداوند که فرمود دعای شما دو نفر مستجاب شد و بین عذاب فرعون چهل سال طول کشید»^{۳۹}

اما متأسفانه انسان عجول و شتابناک است و بر اساس طبیعت و هوای نفس خود تقاضای سرعت در اجابت را دارد خداوند می‌فرماید: «وَيَذْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»^{۴۰} انسان همانگونه که خیر را فرا می‌خواند، بد را نیز فرا می‌خواند و انسان همواره شتابزده است»

یعنی انسان در صلاح و فساد چندان اندیشه نمی‌کند بلکه تا چیزی را بخواهد در طلب آن عجله می‌کند شاید اگر با سرعت به این خواسته برسد برای او شر باشد و یا اگر تأخیر در رسیدن باشد، برای او نفع بیشتری داشته باشد بنابراین هر جا مصلحت در سرعت باشد به سرعت و هر جا مصلحت در تأخیر باشد، با تأخیر اجابت می‌نماید. امام سجاد(ع) این ادب را در دعا کردن می‌آموزد: «خدایا فرمان پذیری نسبت به آنچه از مشیت خود برای ما قرار داده‌ای را به ما الهام کن تا اینکه به تأخیر افتادن آنچه را تو فوری قرار داده‌ای و یا فوری واقع شدن آنچه تو تأخیر آن را پسندیده‌ای، دوست نداشته باشیم...»^{۴۱}

جالب است که بدانیم اگر استجابت دعایی به تأخیر افتاد، موجب زیادی اجر و

ثواب است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «گاهی اجابت برای بنده به تأخیر می‌افتد تا اینکه برای او اجر بزرگتری و عطا فراوان مطابق با آرزو اعطا گردد»^{۴۲}

همچنین گاه تأخیر در استجابت از آن روست که خداوند می‌خواهد بنده به واسطه این انقطاع که با دعا حاصل شده، نفع بیشتری ببرد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «مؤمن خداوند را در حاجتی می‌خواند و خداوند خطاب بر فرشتگان می‌فرماید اجابت دعوت او را به تأخیر اندازید زیرا من صدا و دعای بندهام را دوست دارم و وقتی روز قیامت می‌شود خداوند می‌فرماید: بنده من تو مرا خواندی و من اجابت تو را به تأخیر انداختم حال ثواب تو این است و این... سپس فرمود: انسان مؤمن وقتی زیبایی پاداش را می‌بیند آرزو می‌کند که کاش دعایی از من در دنیا اجابت نشده بود»^{۴۳}

د) اجابت خواسته شده یا تبدیل آن

گاهی انسان آنچه را برای او مضر است طلب می‌کند و خداوند به رحمت خود این دعا را مستجاب نمی‌نماید و آن را به آنچه خیر بنده است تبدیل می‌کند حال یا در دنیا به او عطا می‌کند یا در آخرت و چنانکه در روایات آمده است، انسان وقتی عطای الهی را که در مقابل دعاها غیر مستجاب در دنیا می‌بیند، آرزو می‌کند که ای کاش هیچ دعایی از من مستجاب نشده بود.

البته این در صورتی است که دعا کننده دارای شرایط لازم باشد ولی اگر آنچه را خواسته است، به مصلحت او نباشد و یا مطابق با نظام اصلاح نباشد اجابت نمی‌شود.

شایسته ذکر است اگر دعا کننده تقاضای خود را در دعا به خداوند محول کند و مورد خاصی را ذکر نکند خداوند بزرگ به لطف خویش هر چه را به مصلحت او باشد، عطا می‌کند.

چنانکه امام صادق(ع) فرمود: «خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: هر کس یاد موجب ترک درخواست او شود بهتر از آنچه به سؤال کننده می‌دهم به او عطا خواهم کرد»^{۴۴}

موانع اجابت دعا

طبیعت دعا آن است که اجابت شود، مگر آنکه مقتضی فراهم نشده باشد و یا مانعی از اجابت جلوگیری کند. مهم‌ترین موانع اجابت دعا عبارتند از:

۱. عدم معرفت به خداوند

اگر دعا کننده معرفت لازم به خداوند را نداشته، و او را به صفات حسنیایی که موجب اجابت دعاست نشناسد، دعایش مستجاب نیست. گروهی خدمت حضرت صادق(ع) رسیدند و سؤال کردند: «ما دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود، حضرت فرمودند چون شما خدایی را می‌خوانید که به او معرفت ندارید»^{۴۵}

۲. عدم اخلاص

دعا که مغز عبادت است باید همواره همراه با اخلاص باشد. کسی به آیه «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^{۴۶} تمسک کرده و از امام(ع) سؤال کرد پس چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ امام فرمودند: «به تحقیق اگر بنده‌ای دعا کند و نیت صادق و قلب خالص داشته باشد، دعایش مستجاب می‌شود و این در صورتی است که عهد الهی وفا کند اما اگر بدون نیت صحیح و اخلاص دعا کند مستجاب نمی‌شود مگر خداوند نمی‌فرماید که به عهد من وفا کنید تا من هم به عهد شما وفا نمایم پس هر کس وفا کند مورد وفا قرار می‌گیرد»^{۴۷}

۳. عدم یقین به اجابت

انسان باید به اجابت یقین داشته و دچار تردید نباشد. امام سجاد(ع) می‌فرماید: «از جمله گناهانی که موجب عدم استجابت دعاست عدم تصدیق به اجابت است»^{۴۸}

۴. ترک واجبات

یکی از موانع اجابت دعا ترک واجبات الهی است؛ زیرا وقتی تکالیف الهی عهد خداوند بر بندگانش است ترک واجبات موجب عدم وفا به عهد الهی می‌شود و این موجب عدم استجابت است چنانکه فرمود: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ»^{۴۹} به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم»

حضرت علی(ع) هنگام شهادت به امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر را [که بزرگترین واجبات الهی است] ترک نکنید؛ زیرا شرور بر شما مسلط می‌شوند و دعایتان مستجاب نمی‌شود»^{۵۰}



۵. از کتاب معاصی

گناه مانع صعود دعا به عالم معنا و در نتیجه مانع استجابات آن می‌شود.
حضرت علی (ع) فرمود: «محصیت مانع اجابت دعاست»^{۵۲}

پی‌نوشت‌ها:

۱. مومن / ۶۰
۲. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی ص ۱۰۰
۳. المقرئ، المدین علی، المصباح المنیر، ص ۱۱۳
۴. بقره / ۱۸۶
۵. نمل / ۶۲
۶. الرحمن / ۲۹
۷. الاحقاف / ۵
۸. الکلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲ ص ۴۷۰
۹. همان، ج ۲ ص ۴۸۸
۱۰. همان، ص ۴۷۳
۱۱. مریم / ۴۸
۱۲. انعام / ۴۱
۱۳. المدرسی، السید محمد تقی، من هدی القرآن، ج ۳ ص ۶۲
۱۴. به نقل از بحار الانوار، ج ۹۳ ص ۳۶۱
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۳ ص ۳۶۱
۱۶. همان، ج ۹۳ ص ۳۰۰
۱۷. بقره / ۱۸۶
۱۸. الرحمن / ۲۹
۱۹. السبزواری، هادی، شرح الاسماء الحسنی، ص ۱۱۲
۲۰. ابراهیم / ۳۳
۲۱. انبیاء / ۲۳
۲۲. غافر / ۶۰
۲۳. الطبری، الفضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸ ص ۵۲۹
۲۴. انعام / ۴۱
۲۵. نساء / ۷۱
۲۶. بحار الانوار، ج ۹۳ ص ۸۲
۲۷. البحر المعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۱۱۵۹
۲۸. آل عمران / ۵۳
۲۹. الرحمن / ۲۹
۳۰. غافر / ۶۰
۳۱. بحار الانوار، ج ۹۳ ص ۳۲۳
۳۲. مریم / ۷
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، الامثل، ج ۹ ص ۳۶۳
۳۴. ص / ۷۹ و ۸۰
۳۵. ص / ۸۴ و ۸۵
۳۶. بقره / ۲۰۰
۳۷. انفال / ۳۲
۳۸. انبیاء / ۸۷ و ۸۸
۳۹. بونس / ۸۹
۴۰. نورالتقلین، عبد علی بن جمعه البروسی، ج ۲ ص ۳۱۶
۴۱. اسراء / ۱۱
۴۲. صحیفه سجاده، دعای ۳۳
۴۳. بحار الانوار، ج ۷۷ ص ۲۹۹
۴۴. کهف / ۸۱
۴۵. اصول کافی، ج ۲ ص ۵۰۱
۴۶. بحار الانوار، ج ۹۳ ص ۳۶۸
۴۷. غافر / ۶۰
۴۸. الاختصاص الشیخ المفید، ص ۲۲۲
۴۹. معانی الاختیار الصدوق، ص ۲۷۱
۵۰. بقره / ۴۰
۵۱. نهج البلاغه، کتاب ۲۷
۵۲. نهج البلاغه